

فرجام شناسانه ملاصدرا

محمد رضا حاجی اسماعیلی*

چکیده

قرآن کریم چنان به بیان سرنوشت انسان در رستاخیز آخرت اهتمام ورزیده که بیش از هزار آیه از آیات بینات این صحیفه آسمانی به توصیف و چگونگی احوال آن روزگار اختصاص یافته است. در این میان آیاتی به واکنش رفتاری تکذیب کنندگان قیامت - هنگام مشاهده صحنه های هولناک - پس از ظهور حقایق در برابر ایشان اشاره دارد که مطمح نظر مفسران قرآن بوده پیرامون آن سخن گفته اند. در حالیکه نگرش ملاصدرا این فیلسوف مفسر در تقابل با آرای جمهور مفسران مبنی بر عدم درک حقایق توسط کافران در جهان واپسین است. این پژوهش در راستای واکاوی همین اندیشه انجام یافته است.

کلیدواژه: تفسیر، قرآن، قیامت، مکذبان، ملاصدرا

طرح مسأله

پاره‌ای از تعبیر قرآن درباره قیامت حکایت از تجلی حقیقت و ظهور نتایج اموری همانند حقانیت دین خدا و بعثت انبیاء، ولایت اوصیاء و صدق وعده و وعیدهای الهی در آن سرای دارد. از این روست که قرآن قیامت را «حاقّه» نامیده؛ زیرا سرای حقی است که هر حقیقت نادانسته و ناشناخته‌ای در آن ظهور می‌یابد. (ابوالفتوح رازی، ۳۸۹/۱۹؛ صادقی تهرانی، ۸۵/۲۹؛ طبرسی، ۴۰۷/۶) یا آن را «یوم مشهود» نامیده؛ زیرا قیامت عرصه شهود حقیقت بی نقاب و هنگامه‌ای است که در آن تیرگی جهل و غبار غفلت بر اشیاء سایه نیفکنده است، چنانکه مفسران در بیان منظور این آیه به گونه‌های متفاوتی از رویت حقیقت اشاره کرده‌اند. (زمخشری، ۴۲۸/۲؛ بانو امین، ۷۶/۱۵؛ صادقی تهرانی، ۳۸۹/۱۴؛ مصطفوی، ۱۳۷/۶)

و آیات دیگری از قرآن نیز گواه بر این است که قیامت مرتبه رفع حجابها در برابر دیدگان آدمیان است تا به حقیقت فرو نهاده شده در دنیا یقین حاصل نمایند *«لقد کنت فی غفله من هذا فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید»* (ق، ۲۲) «به راستی تو از این حقیقت که امروز به عیان آن را می‌بینی غافل بودی و ما پرده‌ای را

که حقیقت را بر تو پوشانده بود کنار زدیم و امروز دیده تو تیزبین است» و این که آن سرای هنگامه ظهور اسرار درون و حقیقت باطنی است «یوم تبلی السرائر» (الطارق، ۹) «آن روز که رازها فاش شود» حال از همه این رهنمودها دانسته می‌شود که رستاخیز قیامت، ظرف ظهور حقایق است زیرا آدمی در آن هنگام به مرحله عین الیقین: «ثم لترونها عین الیقین» (التکاتر، ۷) «سپس آن را قطعا روز قیامت به مشاهده یقینی خواهید دید» یعنی مرتبه ای که همه چیز را با دیده خویش مشاهده نمود و جایی برای شبهه و تردید باقی نمی ماند می‌رسد. (نراقی، ۱۲۸/۱)

اما در چنین وضعیتی واکنش کافران و بازتاب رفتاری ایشان چگونه است و مفسران قرآن چه تحلیلی از آن به دست داده اند، نکته ای است که این نوشتار در صدد پاسخ به آن است، البته با توجه به نگرش ویژه ملاصدرا به این موضوع و بررسی تقابل آن با دیدگاه مشهور مفسران.

از جمله آیات قرآنی مورد استناد مفسران در این خصوص نخستین آیات سوره واقعه و برداشتی است که مفسران از واژه «کاذبه» در آیه «اذ وقعت الواقعة لیس لوقعتها کاذبه» (الواقعه، ۱ و ۲) «آنگاه که حادثه قیامت رخ دهد در وقوع این حادثه هیچ دروغ و خلاف گویی نیست» به دست داده اند که عبارت است از:

۱- گروهی از مفسران واژه «کاذبه» را اسم فاعل و صفت برای موصوف محذوفی همانند «قضیه» یا «نفس» دانسته و لام را در «لوقعتها» به معنای «لدی» و «عند» می‌دانند و بر این اساس تفاسیر گوناگونی از آیه به دست داده که مهمترین آنها به شرح ذیل است:

۱-۱- واژه «کاذبه» اسم فاعل و صفت برای موصوف محذوف «قضیه» است، بنابراین معنای آیه این است که: هیچ موضوع و برهانی نیست که اقتضای دروغ پنداشتن قیامت را داشته باشد. (طباطبایی، ۱۱۵/۱۹؛ طوسی، ۴۸۸/۹؛ قرطبی، ۱۹۵/۱۷؛ طبرسی، ۳۲۴/۹)

۲-۱- واژه «کاذبه» اسم فاعل و صفت برای موصوف محذوف «نفس» است.

این دیدگاه خود در بر دارنده چهار تفسیر است:

۱-۲-۱- منظور این است که هیچ کس نمی تواند با وجود آیات روشن الهی در پهنه هستی حقیقتا به تکذیب روز قیامت پردازد، حتی اگر آن را انکار کند باز در عمق وجود خویش نمی تواند این حقیقت را نادیده بگیرد. (قرطبی، ۱۹۵/۱۷؛ طوسی، ۴۸۸/۹؛ صادقی تهرانی، ۶۱/۲۸)

۱-۲-۲- منظور این است که گرچه برخی در دنیا حقانیت روز جزاء را انکار می کنند اما در قیامت که عرصه تجلی حقیقت بر همگان است هیچ کس مجال و فرصتی برای تکذیب حقایق نیافته به ناچار بدان اعتراف می نماید. (صادقی تهرانی، ۶۰/۲۸؛ زمخسری، ۴/۵۵؛ فخر رازی، ۳۸۵/۱۰؛ قرطبی، ۱۹۵/۱۷؛ طبرسی، ۲۱۳/۶)

۱-۲-۳- منظور این است که زمینه تکذیب قیامت به دلیل براهین قطعی در دنیا و به دلیل ظهور حقیقت در آخرت در عرصه قیامت فراهم نیست لذا هیچ کس نمی تواند در دنیا و آخرت آن را تکذیب کند؛ این دیدگاه جامع دو دیدگاه قبلی است. (بیضاوی، ۱۷۷/۵)

۱-۲-۴- منظور این است که پیام آورانی که جامعه بشریت را به حقانیت روز جزاء رهنمون ساخته بیهوده سخن نگفته اند. (بیضاوی، ۱۷۷/۵؛ میدی، ۴۴۱/۹)

۲- در مقابل این دیدگاه گروهی از مفسران به ویژه ملاصدرا واژه «کاذبه» را مصدری از قبیل مصادری همچون «عاقبه» و «عافیه» فرض نموده و بر این باورند که حرف لام در «لوقعتها» در معنای «فی» استعمال شده و بر این اساس آیه در صدد بیان این نکته است که در وقوع روز قیامت یا خبر از این رخداد هیچگونه شک و تردیدی روا نیست. ملاصدرا برای گزینش دیدگاه خویش چنین استدلال نموده که اگر واژه «کاذبه» اسم فاعل باشد در روز رستاخیز هیچ کس نباید حقیقت را تکذیب کند در حالی که به اعتقاد وی تکذیب کنندگان و کفار در قیامت حقانیت پروردگار و صدق وعده های او را در نیافته و همچنان بر شیوه تکذیب خویش پایدار می مانند. عبارت وی چنین است: «... ولا یخفی ان القول بنفی وقوع الکذب علی الله و التکذیب للغیب مطلقا من نفس اصلا مما یناقضه قوله تعالی... و ایضا الحکم بان کل نفس عند قیام الساعه مومنه صادقه مصدقه کلام ناش ممن لابیصره له فی ادراک المعارف الایمانیه،

بل بناء معرفته علی ظواهر المتقولات و ما اشتهر فی المتداولات، و ذلك لان الايمان بالله و اليوم الاخر هو غايه كمال النفس الانسانيه، لانه عباره عن نور من انوار الله يقذف في قلب من يشاء من عباده، و هذا النور يطفى نار جهنم، و كيف تتنور به نفوس الكفار و المنافقين» (ملاصدرا، ۱۶/۷) یعنی «... پوشیده نیست که اعتقاد به نفی وقوع کذب بر خداوند و مطلق تکذیب غیب از نفس اصلی است که با سخن خداوند... در تناقض است و همچنین حکم به این موضوع که هرکسی هنگام برپایی قیامت از سر صدق به خداوند ایمان آورده و او را تصدیق می‌کند. این سخن برآمده از کسی است که نسبت به فهم معارف ایمانی بصیرت ندارد بلکه مبنای معرفت او مبتنی بر ظواهر سخنان نقل گردیده و سخنانی است که نزد عوام اشتهار دارد زیرا ایمان به خدا و روز پسین از انوار الهی است که خداوند در قلب هر یک از بندگانش که بخواهد قرار می‌دهد و این نور آتش جهنم را خاموش می‌کند. پس نفوس کفار و منافقین چگونه به آن نورانی می‌گردند؟»

تحلیل دیدگاه تفسیری ملاصدرا

ملاصدرا درباره واکنش تکذیب کنندگان در سرای آخرت معتقد است که ایشان در آنجا نیز همچنان حقانیت پروردگار و صدق وعده های او را تکذیب کرده و طعم درک حقیقت را نمی چشند. این دیدگاه ملاصدرا در دو مقوله قابل ارزیابی است:

۱- محرومیت کافران از معرفت و دستیابی به حقیقت در رستاخیز

ملاصدرا با عنایت به آیه «ولو تری اذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربهم ربنا ابصرنا و سمعنا فارجعنا نعمل صالحا انا موقنون» (السجده، ۱۲) «ای کاش می‌دیدید زمانی را که مجرمان سرهای خود را از شرمساری و پشیمانی در پیشگاه خداوندی که دیدارش را باور نداشتند به زیر افکنده و می‌گویند: پروردگارا ما با مشاهده حقیقت بینا شدیم و از سر طاعت فرمان تو را شنیدیم پس ما را به دنیا بازگردان که

اگر باز گردیم کار شایسته می‌کنیم زیرا ما اهل یقین شده ایم.» می‌نویسد: انسانهای زیانکار که در این آیه خداوند را مخاطب ساخته و بازگشت به دنیا را از او می‌خواهند مومنان فاسق هستند نه کافران فاجر زیرا درک حقیقت در قیامت برای اهل باطل منتفی است و ایشان همچنان از فهم حقانیت پروردگار و درک حقیقت روز قیامت و دیگر حقایق نا دانسته محروم خواهند ماند.

وی با توجه به سیاق آیه و ایجاد مقارنه بین آن و آیاتی دیگر همانند «و من کان فی هذه اعمی فهو فی الاخره اعمی و اضل سبیلا» (الاسراء، ۷۲) «هر کس در این دنیا کوردل باشد در آخرت نیز کوردل و گمراه‌ترین است.» بیان خویش را این چنین پی می‌گیرد که در این آیه از ملازمت میان فقدان بصیرت در دنیا و آخرت سخن رفته و به حکم عکس نقیض دانسته می‌شود که هر کس در آخرت از اندکی بینش و معرفت برخوردار باشد در زمره افرادی است که در دنیا از پرتو ایمان برخوردار بوده‌اند. ملاصدرا متعلق فقدان بصیرت را در این آیه حقانیت پروردگار و صدق وعده‌های او دانسته لذا معتقد گردیده که تکذیب کنندگان همان گونه که در دنیا از دریافت حق محروم بوده در آن سرای نیز از شناخت آن ناتوان مانده و به تکذیب آن می‌پردازند. وی باورمند است که تقاضای «ربنا ابصرنا و سمعنا فارجعنا نعمل صالحا انا موقنون» سخن حسرت آمیز تکذیب کنندگان قیامت نبوده بلکه گفتار مومنین گنهکار است. (ملاصدرا، ۹۱/۶)

اما این نگرش ملاصدرا در تقابل با آیاتی از قرآن است که در آنها تصریح شده که همه افراد در قیامت حقیقت را باز یافته و از صدق وعده‌های الهی آگاه می‌گردند. آیاتی همانند:

...- الم یا تکم رسل منکم یقصون علیکم آیاتی و یذرونکم لقاء یومکم هذا قالوا شهدنا علی انفسنا... (الانعام، ۱۳۰) «...آیا از خودتان پیامبرانی به سوی شما نیامدند که آیات مرا بر شما حکایت کنند و شما را از دیدار امروزتان بترسانند؟ می‌گویند: ما به زبان خود گواهی می‌دهیم که پیامبرانی آمدند و به ما هشدار دادند...»

- يوم يعرض الذين كفروا على النار أليس هذا بالحق قالوا بلى و ربنا قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون (الاحقاف، ۳۴) «و روزی که منکران رستاخیز بر آتش عرضه می شوند به آنان گفته می شود: آیا این آتش حق نیست؟ می گویند: چرا، سوگند به پروردگاران که حق است. خدا به آنان می گوید: پس به سزای اینکه کفر می ورزیدید این عذاب را بچشید.»

-... قال لهم خزنتها ألم يأتكم رسل منكم يتلون عليكم آيات ربكم و ينذرونكم لقاء يومكم هذا قالوا بلى... (الزمر، ۷۱) «... و نگهبانانش از آنان می پرسند: آیا پیامبرانی از خودتان برای شما نیامده اند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و شما را از دیدار امروزتان بیم دهند؟ می گویند: چرا، آمدند...»

گروهی دیگر از آیات قرآن نیز از اظهار حسرت و ندامت کافران در مواجهه با حق در قیامت خبر می دهند زیرا کافران در دنیا حقایقی را نادیده انگاشته و اینک آنها را در برابر خویش حاضر می بینند. آیاتی همانند:

- يوم تقلب وجوههم فی النار یقولون یا لیتنا اطعنا الله و اطعنا الرسولا (الاحزاب، ۶۶) «آن روز که صورت هایشان در آتش زیر و رو می شود می گویند: ای کاش خدا را فرمان می بردیم و از پیامبرش اطاعت می کردیم.»

- و بدا لهم سیئات ما کسبوا و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون (الزمر، ۴۸) «و زشتی گناهایی که مرتکب شده اند بر ایشان آشکار می شود، و عذاب های روز قیامت که به مسخره می گرفته اند بر آنان فرود می آید.»

- قالوا یا ویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون (یس، ۵۲) «گفتند: ای وای بر ما که هلاک گشتیم، چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ و سخن پیامبران را به یاد می آورند و می گویند: این رستاخیز همان است که خداوند رحمان وعده داده بود و فرستادگان خدا راست گفتند.»

- و جء یومئذ بجهنم یومئذ یتذکر الانسان و انی له الذکرى (الفجر، ۲۳) «و دوزخ در آن روز آورده شود، پدیدار گردد از آن روز انسان متوجه می شود که نعمت ها و

محنت‌ها همه وسیله آزمون الهی بوده است ولی این توجه کجا برای او سودمند است»

اما صریح‌ترین آیه در این باره که همه انسانها را مخاطب خود دانسته آیه «لقد کنت فی غفله من هذا فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید» (ق، ۲۲) است یعنی: «به راستی تو از این حقیقت که امروز به عیان آن را می‌بینی غافل بودی و ما پرده‌ای را که حقیقت را بر تو پوشانده بود کنار زدیم و امروز دیده‌ی تو تیزبین است». در این آیه واژه «حدید» به مفهوم «آهن» و یا «تیغ برنده» است که در معنای «تیزبینی و تیزفهمی» استعاره آورده شده است. (راغب، ص ۱۱۰) بنابراین منظور از «بصرک الیوم حدید» دیده حقیقت بین و نافذی است که به مرتبه «عین الیقین» رسیده و در آن سرای حقایق را به طور تام و کامل مشاهده می‌کند.

این آیات همگی در تقابل با دیدگاه ملاصدرا و گواه بر آنند که حقیقت در قیامت در مقابل چشم همگان تجلی می‌یابد البته آیات دیگری نیز ظاهراً موید این نگرش ملاصدرا می‌باشند که عبارتند از:

- و من اعرض عن ذکری فأن له معیشه ضنکا و نحشره یوم القیامه اعمی قال رب لم حشرتی اعمی و قد کنت بصیرا قال کذلک اتک آیاتنا فنسیتها و کذلک الیوم تنسی (طه، ۱۲۴-۱۲۶) «و هرک از یاد من روی برتابد، قطعا زندگی تنگ و دشواری خواهد داشت، و روز قیامت او را نابینا محشور می‌کنیم تا به بهشت راه نیابد. می‌گوید: پروردگارا، چرا مرا نابینا محشور کردی با آنکه در دنیا بینا بودم؟ خدا می‌گوید: ما امروز تو را نابینا محشور کردیم همانگونه که آیات ما در دنیا به تو رسید و تو آنها را نادیده انگاشتی، و همانگونه که در دنیا به وسیله آیات ما هدایت نیافتی امروز فراموش می‌شوی و به راه نجات رهنمون نمی‌گردی.»

-... و نحشرهم یوم القیامه علی وجوههم عمیا و بکما و صما (الاسراء، ۹۷) «... و روز قیامت آنان را در حالی که بر چهره‌هایشان افتاده اند کور و کر و لال محشور می‌کنیم.»

- یوم ینفخ فی الصور و نحشر المجرمین یومئذ زرقا (طه، ۱۰۲) «همان روز که در صور دمیده می‌شود و همگان را به صحنه قیامت می‌آورند. آن روز که چنین شود گنهکاران را با چشمانی سبز رنگ که قدرت بینایی ندارد محشور می‌کنیم.»

اما مفسران منظور از فقدان بینایی در این گروه از آیات را فقدان بصیرت باطنی دانسته اند. (زحیلی، ۱۳۱/۱۵؛ طباطبایی، ۱۶۹/۱۳؛ طوسی، ۵۰۵/۶؛ طبرسی، ۶۶۴/۶) و تعبیر «اضل سبیلا» در فراز پایانی آیه ۷۲ سوره الاسراء «و من کان فی هذه اعمی فهو فی الاخرة اعمی و اضل سبیلا» «هر کس در این دنیا کوردل باشد در آخرت نیز کوردل و گمراه‌ترین است» را موید همین معنا می‌دانند. چنان که خداوند در جای دیگر آن را تایید و فرموده است: «...فانها لا تعمی الابصار و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور» (الحج، ۴۶) «به یقین دیده‌ها نابینا نیست ولی دل‌هایی که در سینه هاست کور است»

از طرفی ملاصدرا با تبیین متعلق «فقدان بصیرت» مفهوم «اعمی» را در این آیات حقانیت پروردگار و صدق وعده‌های او ندانسته و با استناد به همین آیات معتقد گردیده که کافران در قیامت جلوه حق را در نمی‌یابند. (ملاصدرا، ۹۱/۶) این در حالی است که دیگر مفسران قرآن در تبیین این موضوع بر این باورند که منظور از فقدان بصیرت در قیامت عجز و ناتوانی از درک حقانیت پروردگار و صدق وعده‌های او نبوده بلکه محرومیت از یافتن راهی برای نجات از خشم الهی و وصول به سعادت و رستگاری است. (زحیلی، ۱۳۱/۱۵؛ طباطبایی، ۱۶۹/۱۳؛ ابوالفتوح رازی، ۲۵۹/۱۲؛ طبرسی، ۶۶۴/۶؛ مکارم شیرازی، ۲۰۷/۱۲؛ فضل الله، ۱۸۹/۱۴؛ صادقی تهرانی، ۱۰۱/۱۴) بنابراین زبان حال کافران و اهل باطل در قیامت چنین است: «قال رب لم حشرتني اعمی و قد كنت بصیرا قال کذلک اتک آیاتنا ففسیتها و کذلک الیوم تنسی» (طه، ۱۲۵ و ۱۲۶) «می‌گوید: پروردگارا، چرا مرا نابینا محشور کردی با آنکه در دنیا بینا بودم؟ خدا می‌گوید: ما امروز تو را نابینا محشور کردیم همانگونه که آیات ما در دنیا به تو رسید و تو آنها را نادیده انگاشتی، و همانگونه که در دنیا به وسیله آیات ما هدایت نیافتی امروز فراموش می‌شوی و به راه نجات رهنمون نمی‌گرددی.» و

همین که این گروه خداوند را در آن سرای با عنوان «رب» مخاطب قرار داده خود دلیل بر شناخت آنها از مقام ربوبی او دارد. لذا مفهوم فقدان بصیرت در این آیه این است که ایشان همان گونه که در دنیا با چشم پوشی از حق خود را از تقرب به آستان ربوبی محروم کرده در آخرت نیز راهی به این آستان ندارند.

برخی از مفسرین نیز معتقدند که با وجود اثبات رویت حقیقت در قیامت برای کافران، فقدان بصیرت در این آیه گواه است که ایشان با وجود مشاهده حقایق در قیامت، همچنان بر لجاج و عناد خویش اصرار ورزیده و از دامان پروردگار به جهالت خویش می‌گریزند. (طیب، ۲۸۸/۸)

از دیگر آرایه‌هایی که در تبیین متعلق عدم بصیرت در تقابل با دیدگاه ملاصدرمطرح گردیده نگرش سید مرتضی به این موضوع است زیرا وی معرفت اهل باطل را به حقایق در روز قیامت از نوع علم حضوری دانسته (علم الهدی، ۱۳۱/۲؛ همو، ۶۱/۱) و چهار وجه را در تبیین متعلق اعمی در آیه «و من كان في هذه اعمى فهو في الآخرة اعمى و اضل سبيلا» (الاسراء، ۷۲) «هر کس در این دنیا کوردل باشد در آخرت نیز کوردل و گمراه‌ترین است» ذکر می‌کند که همگی در تقابل با اندیشه تفسیری ملاصدراست. این وجوه عبارتند از:

۱- اولین «اعمی» به انکار حقیقت توسط کافران در دنیا و دومین «اعمی» به کوری دیدگان آنها در قیامت اشاره دارد.

۲- اولین «اعمی» به معنای عدم ایمان نسبت به حقایق معرفت شناختی در دنیا و دومین «اعمی» کنایه از مبالغه در میزان اندوه کافران در روز قیامت است.

۳- اولین «اعمی» عدم بصیرت نسبت به آیات تکوینی و تشریحی خداوند و متعلق دومین «اعمی» فقدان ایمان و شناخت نسبت به قیامت و نظام پاداش و جزای اخروی است. البته اگر از این زاویه به آیه نگریسته شود، متعلق هر دو اعمی در دنیا محقق شده و ارتباطی به احوال کافران در جهان آخرت ندارد. و از طرفی باید حرف «فی» را در «فی الآخرة» به معنای «با» لحاظ نمود.

۴- کاربرد واژه اولین «اعمی» کنایه از فقدان بصیرت کافران نسبت به حقایق معرفتی در دنیا و دومین «اعمی» حاکی از محرومیت ایشان از وصول به مقام قرب الهی در جهان آخرت است. (همو، ۵۹/۱)

بر اساس این تفسیر، قیامت برهه‌ای از زمان برای بازشناخت پروردگار و ظهور صدق وعده‌های او برای همگان اعم از مومن و کافر است و هیچ دیده‌ای نیست که در آن روز آن را درنیابد و اگر برخی آیات از فقدان بصیرت اهل باطل در صحنه قیامت سخن می‌گویند این هرگز به معنای عدم رویت حق توسط کافران نمی‌باشد، البته درک حقیقت در آن سرای منافاتی با آیاتی همانند «کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون» (المطففین، ۱۵) «مبادا مرتکب گناه گردند که قطعاً گنهکاران در روز جزا از کرامت و قرب پروردگارشان محرومند» ندارد، زیرا روایات ائمه معصومین (حویزی، ۵۳۳/۵) و نیز آراء تفسیری مفسران پیرامون این گونه آیات، منظور از محجوب بودن تکذیب کنندگان را در قیامت محرومیت ایشان از ثواب و نعمت الهی و کرامت قرب به آستان ربوبی می‌دانند. (طباطبایی، ۱۲۸/۱۵ و ۲۳۴/۲۰؛ طبرسی، ۶۸۹/۱۰)

۲- واکنش کافران در مواجهه با حقیقت در رستاخیز

پیش از این اشاره شد گرایش ملاصدرا درباره شناخت یا عدم شناخت حقیقت در قیامت توسط کافران این است که واکنش ایشان در آن سرای جز انکار حق و کفر و سرکشی در پیشگاه خداوند چیز دیگری نیست، لذا او گزینه تکذیب کافران را برگزیده و برای اثبات سخن خویش به آیاتی از قرآن استشهد کرده مانند:

- و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون مالبتوا غیر ساعة کذلک کانوا یوفکون (الروم، ۵۵) «و روزی که قیامت برپا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز زمانی کوتاه در قبرهای خویش نمانده و دوباره به حیات دنیوی بازگشته اند. اینان همواره چنین اند که از حقیقت بازداشته می‌شوند و به باطل کشیده می‌شوند.»

ملاصدرا آیاتی از این دست را به عنوان قرائنی بر کفر و انکار کور دلان و

حقیقت ستیزی آنان در روز قیامت برشمرده حال آنکه رهنمود آیات قرآنی در این باره حاکی از آن است که چهره حق در قیامت چنان ظهور می‌یابد که هیچ مجالی برای تکذیب باقی نگذاشته، همگان در آن هنگام از علم حضوری به حق برخوردار و به مرحله عین الیقینی دست یافته، تجلی حق را نظاره گر خواهند بود و هر چند که کافران در دنیا قدرت و الوهیت پروردگار و وجود روز واپسین را انکار کرده اند، در قیامت به هر سوی رو کنند خود را در حقایق مجسم محصور می‌یابند. «و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون» (الزمر، ۴۸) «و عذاب های روز قیامت که به مسخره می‌گرفته اند بر آنان فرود می‌آید.» و البته در چنین فضایی مجالی برای تکذیب حقیقت نیست از این روی ایشان ناگزیر زبان به اعتراف گشوده و می‌گویند: «هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون» (یس، ۵۲) «و سخن پیامبران را به یاد می‌آورند و می‌گویند: این رستاخیز همان است که خداوند رحمان وعده داده بود و فرستادگان خدا راست گفتند.»

پس قرآن نه اینکه تنها از تکذیب حقیقت در قیامت توسط کافران سخنی نگفته بلکه از اعترافات مکرر ایشان به حقیقت در صحنه قیامت پرده برمی‌دارد. اعترافی که در بسیاری از موارد با اظهار تأسف و تحسر همراه است: «... و يقول الكافر يا ليتني كنت ترابا» (النبأ، ۴۰) «کافر می‌گوید: ای کاش خاک بودم» و «و يوم يعرض الظالم على يديه يقول يا ليتني اتخذت مع الرسول سبيلا يا ويلتي ليتني لم اتخذ فلانا خليلا» (الفرقان، ۲۷ و ۲۸) «و روزی را که آن کسی که از هدایت پیامبر بی بهره بوده و بر خود ستم کرده است دستهای خود را از پشیمانی به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش، با رسول خدا راهی به سوی هدایت برگرفته بودم. ای وای بر من کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم» مجموع این آیات گویای آن است که در عرصه رستاخیز و با فرو افتادن پرده‌ها از برابر دیدگان آدمی امکان تکذیب حق منتفی است لذا دیدگاه ملاصدرا نه تنها با توصیف قرآنی قیامت سر ناسازگاری دارد که آیات مورد استناد او نیز با توجه به سیاق این آیات و آراء تفسیری پیرامون آنها هیچ دلالتی بر اثبات

مدعای او نداشته و در تقابل با آنهاست. شایان توجه است که همین آیه مورد استناد ملاصدرا «و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون مالبثوا غیر ساعه کذلک کانوا یوفکون» (الروم، ۵۵) «و روزی که قیامت برپا شود، مجرمان سوگند یاد می کنند که جز زمانی کوتاه در قبرهای خویش نمانده و دوباره به حیات دنیوی بازگشته اند. اینان همواره چنین اند که از حقیقت بازداشته می شوند و به باطل کشیده می شوند» نیز در مقام بیان سخن کافران به هنگام روز واپسین مبنی بر مدت زمان توقف در دنیا (طبرسی، ۵۳/۵؛ میدی، ۷/۴۷۲) یا عالم برزخ است. (طباطبایی، ۲۰۵/۱۶؛ صادقی تهرانی، ۲۰۳/۲۳؛ طبرسی، ۸/۴۸۶) بدین مفهوم که کافران گما نمی برند دامنه زمانی و قوفشان در آنجا مدتی اندک بوده است. برخی از آنها بر این گمانند که این مدت شب و روزی بیش نبوده است. (النازعات، ۴۶) و برخی دیگر آن را ساعتی از روز بر می شمارند (یونس، ۴۵) و بر ادعای خویش سوگند می خورند. (الروم، ۵۵) گروهی دیگر آن را روز یا بخشی از روز می پندارند (المومنون، ۱۷-۱۱۵) و سرانجام عده ای آن را ده شبانه روز بر می شمارند. (طه، ۱۰۳-۱۰۵)

ملاصدرا با استناد به عبارت «کذلک کانوا یوفکون» که از دیدگاه وی بر انحراف کافران از حقیقت در قیامت دلالت دارد و نیز با توجه به آیه بعدی آن «و قال الذین اتوا العلم و الایمان لقد لبثتم فی کتاب الله الی یوم البعث فهذا یوم البعث و لکنکم کتمم لاتعلمون» (الروم، ۵۶) «اما کسانی که دانش و ایمان به آنان داده شده بود در پاسخ کافران تبهکار می گویند: شما پس از مردن، تا روز قیامت درنگ کرده و در قبرهایتان مانده اید. این حقیقت را قرآن بیان کرد که: پس از مردن تا روز قیامت فاصله و برزخی است. این مدت که مرده بودید همان فاصله و برزخ است. پس امروز روز رستاخیز است ولی شما این روز را نشناختید و آن را باور نکردید» که از پاسخ مومنین به کفار سخن می گوید معتقد است آیه در مقام اثبات وارونگی حقیقت در برابر دیدگان اهل باطل در آخرت و تکذیب حقیقت توسط آنهاست همان گونه که در دنیا حق را در نمی یافتند و معارف ایمانی را تکذیب می نمودند. اگرچه ظاهر آیه موید دیدگاه ملاصدراست اما از آراء تفسیری و مفهوم سنجی

این آیه با مجموعه دیگر آیات معاد می‌توان دریافت که این آیه هیچ گونه ارتباطی با اثبات ادعای وی ندارد بلکه بر اساس دیدگاه مفسرانی که از دیرباز در تبیین آیه کوشیده تفسیرهای دیگری وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

الف- از آنجا که مراتب حیات انسانی در عالم برزخ و سطح شعور و احساس در آن جهان متفاوت است کافران در آن عالم از نازل ترین درجه حیات، برخوردار و از درک واقعیت ها، محروم و در نتیجه از مدت توقفشان در آن عالم بی خبر خواهند بود همان گونه که در دنیا به دلیل زندگی پست حیوانی از دریافت بسیاری از حقایق به دور مانده اند. لذا به دلیل فهم نا درستی که از مدت زمان توقف خود در برزخ دارند، نسنجیده لب به سخن گشوده و اگرچه گفتارشان به دور از واقعیت است اما خود می‌پندارند که راست می‌گویند. در برابر این گروه اهل ایمان هستند که در عالم برزخ از کمال ادراک و شعور برخوردار و از مدت زمان توقف در آن عالم به نیکی آگاهند لذا کافران را از این حقیقت آگاه ساخته به ایشان می‌گویند: «و قال الذین اوتوا العلم و الایمان لقد لبثتم فی کتاب الله الی یوم البعث فهذا یوم البعث و لکنکم کنتم لاتعلمون» (الروم، ۵۶) «اما کسانی که دانش و ایمان به آنان داده شده بود در پاسخ کافران تبه‌کار می‌گویند: شما پس از مردن، تا روز قیامت درنگ کرده و در قبرهایتان مانده اید. این حقیقت را قرآن بیان کرد که: پس از مردن تا روز قیامت فاصله و برزخی است. این مدت که مرده بودید همان فاصله و برزخ است. پس امروز روز رستاخیز است ولی شما این روز را نشناختید و آن را باور نکردید.»

بدین ترتیب آیه نه تنها بر غفلت اهل باطل از حق در قیامت دلالت ندارد، بلکه به قرینه آیه پسین خود نشانگر این است که در عرصه قیامت حقایق مغفول برای آدمی مکشوف می‌گردد. همچنین دانسته می‌شود که سخن مجرمان در آیه شریفه جنبه تکذیب و انکار عامدانه ندارد تا آیه مزبور به عنوان سند تکذیب حقیقت توسط اهل باطل در عرصه محشر تلقی گردد. (مکارم شیرازی، ۱۶/۴۸۳؛ ابوالفتوح رازی، ۲۷۳/۱۵)

برخی نیز در تایید همین برداشت می‌گویند عبارت «کذلک کانوا یوفکون» حاکی

از آن است که کافران در دنیا بر اساس وهم و گمان باطل خویش به نفی و انکار روز جزاء حکم نموده و در آخرت نیز بر اساس همین پندار خویش درباره مدت زمان وقوف در دنیا سخن می‌گویند زیرا به دلیل محرومیت از سطوح عالی حیات عالم برزخ، نتوانسته‌اند گستره زمانی آن عالم را دریابند. (طوسی، ۲۶۵/۸)

ب- تفسیر دیگر اینکه در روز رستاخیز پرده‌ها به تدریج از برابر دیدگان کنار می‌رود لذا در مراحل نخستین کافران بر اساس عادت دیرینه خویش به گفتار و سوگند دروغ متوسل می‌گردند ولی خداوند پرده غفلت از برابر دیدگان آنها بر می‌افکند و دیگر مجالی برای تکذیب حق باقی نمی‌ماند. «لقد كنت في غفلة من هذا فكشفنا عنك غطاءك فبصرك اليوم حديد» (ق، ۲۲) «به راستی تو از این حقیقت که امروز به عیان آن را می‌بینی غافل بودی و ما پرده‌ای را که حقیقت را بر تو پوشانده بود کنار زدیم و امروز دیده‌تو تیزبین است» (فضل الله، ۱۶۳/۱۸؛ طوسی، ۲۶۵/۸؛ طبرسی، ۴۸۶/۸)

ج- تفسیر دیگر اینکه همان‌گونه که مجرمان در حیات دنیوی خود به سبب اشتغال مداوم به امور مادی و نفسانی از روز قیامت غافل مانده‌اند، در روز واپسین نیز به دلیل مشاهده احوال قیامت از مسائلی همانند مدت زمان وقوف در دنیا غافل خواهند ماند. ضمن اینکه عدم اطلاع از مدت زمان توقف در برزخ با شناخت حقانیت پروردگار و تصدیق وعده و وعیدها و خشوع در برابر عظمت الهی در عرصه رستاخیز منافاتی ندارد. (بانو امین، ۱۱۹/۱۰؛ میبدی، ۴۷۱/۷)

با توجه به نکات پیش گفته محور دیدگاه ملاصدرا تعلق تکذیب در عرصه قیامت به حقیقت توحید و نبوت و معاد است نه تکذیب اعمال دنیوی و یا انکار مدت زمان وقوف در دنیا و برزخ. لذا این فیلسوف مفسر برای اثبات دیدگاه خویش برهانی منطقی ارائه کرده مبنی بر اینکه ایمان غایت کمال نفس آدمی است پس اگر کسی در قیامت هم از آن برخوردار گردد در حقیقت به کمال دست یافته و نمی‌توان از خلود او در عذاب دوزخ سخن گفت و از آنجا که قرآن به کافران و معاندان وعده اقامت و خلود در عذاب دوزخ را داده است، قطعاً نمی‌توان ادعا نمود

که در روز قیامت همه مردم به حقیقت اعتراف کنند و چای هیچ تکذیب کننده‌ای در میان نیست.

از ظاهر این استدلال چنین بر می‌آید که ملاصدرا برای ایمان اضطراری اعتبار و ارزش قائل شده حال آنکه در سنت الهی، پذیرش ایمان و توبه منوط به وقوع آن پیش از رویت عقاب و کیفر الهی است: «و لیست التوبة للذین یعملون السیئات حتی اذا حضر احدهم الموت قال انی تبت الان و لا الذین یموتون و هم کفار اولئک اعتدنا لهم عذابا الیما» (النساء، ۱۸) «پذیرش توبه برای کسانی نیست که پیوسته مرتکب گناهان می‌شوند تا هرگاه که مرگ به سراغ یکی از ایشان بیاید (آثار آن را مشاهده کند) بگوید: اکنون توبه کردم و نیز برای کسانی نیست که در حال کفر می‌میرند. آنان اند که عذابی دردناک برایشان آماده کرده ایم.» بنابراین تنها ایمان و توبه کارآمد در جهان آخرت توبه و ایمانی است که در این جهان که محل ابتلاء و آزمایش است از سر اختیار انجام پذیرفته باشد. همان گونه که فرعون از ادعای ایمان و توبه خویش در هنگام مرگ سودی نبرد، حتی مورد سرزنش قرار گرفت که: «آلان و قد عصیت قبل و كنت من المفسدین» (یونس، ۹۱) «به او گفته شد: آیا اینک به خدا ایمان آوردی، در صورتی که پیش تر او را نافرمانی کردی و از فسادگران بودی» ایمان کافران نیز در صحنه قیامت به منظور رهایی از عذاب دوزخ سودمند و موثر نخواهد افتاد: «فلم یک ینفعهم ایمانهم لما رأوا بأسنا سنت الله التی قد خلت فی عباده و خسر هنا لک الکافرون» (المومن، ۸۵) «ولی هنگامی که عذاب سخت ما را مشاهده کردند، دیگر ایمانشان برایشان سودی نداشت، چرا که از روی ناچاری ایمان آوردند. خدا این سنت را مقرر کرده و همواره در میان بندگان جاری بوده است که توبه مردم بعد از آنکه عذاب را مشاهده کردند پذیرفته نشود، در آنجا کافران زیان می‌کنند.»

نتیجه

قیامت بر اساس نگاهی جامع به آیات قرآن، عرصه تجلی حقانیت پروردگار و

صدق وعده های او بر همگان است، به گونه‌ای که در این هنگام هیچ مجالی برای تکذیب آن وجود نخواهد داشت. لذا دیدگاه ملاصدرا اگرچه با ظاهر برخی از آیات قرآنی در برابر این دیدگاه موافقت دارد ولی با مجموعه آیات معادشناسی و آراء مشهور تفسیری مفسران در تناقض است. ملاصدرا اگرچه به مدد براهین عقلانی مورد نظر خویش بر اثبات دیدگاه مورد ادعایش اصرار می‌ورزد، ولی همان گونه که در متن بدان اشاره گردید این براهین در تأیید دیدگاه وی مبنی بر تکذیب بی قید و شرط کافران و عدم آگاهی از حقیقت صدق وعده های الهی قابل اثبات نمی باشد.

کتابشناسی

- قرآن کریم.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، به تصحیح محمد جعفر یاققی و محمد مهدی ناصح، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، ۱۳۶۵.
- امین، نصرت بیگم، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۶۱.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد سید گیلانی، المکتب الرضویه، تهران، بی تا.
- زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعۀ و المنهج، دار الفكر المعاصر، بیروت، دمشق، ۱۴۱۸ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و...، دار الكتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، انتشارات فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۵.
- صدرالدین، محمد بن ابراهیم، تفسیر ملاصدرا، بیدار، قم، ۱۳۶۶.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، قم، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع فی تفسیر القرآن المجید، بنیاد پژوهش های اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۷.
- همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، بنیاد اسلامی، محمد حسین کوشان پور، تهران، ۱۳۴۱.
- عروسی حویزی، عبد علی نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
- سید مرتضی، علی بن حسین، امالی، تحقیق احمد بن الامین، الشنقیطی، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۳ق.
- همو، رسائل، تحقیق سید مهدی رجایی، دار القرآن، ۱۴۰۵ق.
- فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، دارالملاک، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۶۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.
- مبدی، ابوالفضل رشید الدین، کشف الاسرار و عدۀ الابرار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
- نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، تحقیق محمد کلانتر، مطبعه النعمان، نجف، بی تا.